

گپ و گفتی با امید عبد‌اللهی، کارگردان فیلم «برندگان»

فیلم‌ها سرانجام مخاطب خودشان را پیدا می‌کند

فرهنگی: امید عبد‌اللهی فیلمساز در تازه‌ترین فعالیت سینمایی خود مستند «برندگان» را در گروه سینمایی هنرو تجربه روی پرده دارد. مستند «برندگان» درباره تکاپوی دو شخصیت از دو نسل متفاوت ایران امروز است که در لاتاری گرین کارت برنده شده‌اند و می‌خواهند برای تحقق آرزوهای خود و یافتن یک زندگی بهتر، به امریکا مهاجرت کنند، اما آنها دلبستگی‌هایی در ایران دارند که با آنچه در جایی دیگر جست‌وجو می‌کنند در تقابل است. این مستند پیش از این موفق به کسب دو جایزه حمایتی در بخش‌های گسترش فیلمنامه و تولید فیلم از صندوق برتا جشنواره بین‌المللی مستند آمریکا (ایفا) شده است. همچنین این مستند به همراه مستند کوتاه «پنهان» به کارگردانی شیرین برق نورده که فیلم مقاله‌ای کوتاه درباره موضوع ملیت است، به نمایش درآمده است. عبد‌اللهی در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره این مستند و موضوع مهاجرت صحبت کرده است.

■ **چرا سراغ موضوع مهاجرت رفتید و انگیزه ساخت مستند «برندگان» از کجایی آید؟**
از یک تجربه شخصی. ماجرای این تجربه هم برمی‌گردد به سال‌های پیش که من قصد مهاجرت از ایران داشتم و مثل هر فرد دیگری که در این موقعیت قرار می‌گیرد، من هم به دنبال راه آسانی برای رفتن می‌گشتم. در همان دوران بود که با سیستم لاتاری گرین کارت آشنا شدم و تصمیم گرفتم شانس‌ام را امتحان کنم. هر چند من در آن سال برنده لاتاری نشدم، ولی از لحاظ ثبت‌نام تا زمان اعلام نتایج، اتفاقاتی برای من افتاد که حتی اگر برنده هم شده بودم هرگز نمی‌رفتم. در واقع انگیزه و ایده اولیه ساخت مستند «برندگان» ریشه در این تجربه دارد.

■ **برای ساخت مستند با چه چالش‌هایی روبه‌رو بودید و پروسه تولید آن چقدر طول کشید؟**

فرایند پژوهش این فیلم بسیار طولانی بود. به این معنی که بخشی از مسیر تحقیق به شناخت و درک من از موضوع و همچنین یافتن راهی برای ارائه آن از طریق یک فیلم مستند مربوط می‌شد و بخشی هم هم‌زمان با جست‌وجوی شخصیت‌های اصلی فیلم و با هدف شکل‌گیری روایت و نحوه بیان جزئیات زندگی هر یک از شخصیت‌ها صورت گرفت. عمده‌ترین مشکلات ما هم مربوط به بخش دوم بود که لازمه آن عبور از فرایند اعتمادسازی بین من و شخصیت‌های مد نظر بود. تازه بعد از شکل‌گیری فرایند اعتمادسازی، ادامه کار سخت‌تر هم شد، چون کوچکترین اشتباه می‌توانست دیوار این اعتماد را فرو ببرد. از طرفی موضوع فیلم هم به پیچیدگی شدن ارتباط ما با افراد دامن زده بود، یعنی خیلی از افرادی که به لیست نهایی ما راه پیدا کرده بودند، سپس از مدت کوتاهی از ادامه همکاری با این پروژه منصرف می‌شدند. آنها نگران بودند با توجه به جوی که نسبت به امریکا در جامعه ما وجود دارد، روند مهاجرت‌شان دچار اختلال شود. حتی یکی از شخصیت‌های اصلی ما در مرحله تصویربرداری انصراف داد که ضمن ایجاد تأخیر در روند اجرایی کار، هزینه‌های پیش‌بینی نشده‌ای هم به پروژه تحمیل کرد. به هر حال وقتی فیلمساز به سراغ موضوعات اجتماعی و حساس می‌رود باید مدام منتظر چنین تنش‌هایی هم باشد و به‌نظر در این موارد جز صبر و تابش بیشتر برای یافتن راه حل بهتر، کار دیگری نمی‌توان کرد.

■ **شخصیت‌هایی را که در فیلم دنبال می‌کنید چگونه پیدا کردید؟**

ابتدا در بین اطرافیان و دوستانم به دنبال شخصیت‌های مد نظر بودم، اما خیلی زود احساس کردم باید دایره جست‌وجوی خود را وسیع‌تر کنم. تا اینکه یک گروه پژوهشی تشکیل دادم و در فصلی که ثبت‌نام لاتاری انجام می‌شد، در چند منطقه تهران به عکاسی‌های رفتم و شروع کردم به جمع‌آوری شماره تلفن، ایمیل و نام افرادی که در لاتاری ثبت‌نام می‌کنند. هر کدام دفترچه‌ای داشتیم و در پایان به چیزی حدود دویست نفر رسیدیم که در مرحله اول تمایل داشتند با ما همکاری کنند. در مرحله دوم که با این افراد برای دیدار حضوری تماس می‌گرفتم کم کم ریزش کردند و بیشتر آنها اصلاً حاضر به همکاری نبودند. به صورتی که در پایان، لیست ما به چیزی حدود هشتاد تا نود نفر رسید. طبیعی است من به دنبال کسانی بودم که در صورت برنده شدن در لاتاری با چالش‌های مختلفی مواجه می‌شدند. مثلاً زندگی‌شان دچار یک لرزش یا یک نابسامانی و تغییر مسیر شود و این تغییر باعث شود که اینها برای رفتن یا ماندن دچار تردید شوند، چون خیلی‌ها ممکن است در لاتاری برنده شوند و بدون هیچ دردسر و دغدغه‌ای مهاجرت کنند و بروند. کما اینکه خیلی‌ها بدون شرکت در لاتاری هم مهاجرت می‌کنند.

■ **به نظر می‌رسد در فیلم «برندگان» نزدیکی دوربین به اعضای خانواده شخصیت‌ها به یک نقطه قوت بدل شده است.**

بله وقتی پای مهاجرت در میان باشد اعضای خانواده و روابط عاطفی افراد با تک‌تک اطرافیان بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کنند. من قصد داشتم به بهانه موضوع فیلم روی احساسات تعلق‌ی که شخصیت‌ها در اینجا داشتند و تقابل آن با هدف‌شان تمرکز کنم. دل‌کنند از آدم‌ها یا چیزهایی که با آنها پیوند عاطفی داریم کار ساده‌ای نیست و من می‌خواستم با نزدیک شدن به زندگی شخصیت‌ها تا جایی که ممکن باشد این لحظه‌های دشوار و گاه ناممکن را ثبت کنم.

■ **چرا این مستند بعد از ۹۴ سال در سینمای هنرو تجربه‌اکران شد؟**

راستش سال ۹۴ مراحل ساخت این فیلم تمام شد و اولین نمایش رسمی آن در جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت بود. بعد از آن هیچ‌یک از تلاش‌های من برای دریافت پورانه نمایش به نتیجه نرسید. در طول این مدت هم هیچ دلیل شفاف و مشخصی به من اعلام نشد. شخصاً متوجه نشدم پشت درهای اتاق نظارت و ارزشیابی چه خبر است! یک گروهی در دو نوبت فیلم را در یک جشنواره رسمی و معتبر نمایش دادند، گروهی دیگر با ریاست دبیر همان

متقاضی بیشتری دارد. حالا دیگر هر کدام از ما دست‌کم یک مهاجر در خانواده‌هایمان داریم.

■ **«برندگان» موفق به کسب جایزه حمایتی «برتافتاند» جشنواره مستند «ایفا» در بخش گسترش فیلمنامه‌شده، این حمایت شامل چه مواردی می‌شود؟ در مورد این تجربه و اتفاقات آن توضیح دهید؟**

جایزه حمایتی صندوق «برتا ایفا» کمک هزینه‌ای است که در بخش گسترش فیلمنامه، تولید یا حتی برگزاری یک جشنواره مستقل به برگزیدگان اهدا می‌شود. مثل خیلی از فرصت‌های مالی دیگری که در جشنواره‌ها یا صندوق‌های حمایتی، در اختیار فیلمسازان و هنرمندان مستقل گذاشته می‌شود، البته رقابت بین متقاضیان بسیار سخت و نزدیک است و شرکت در آن هم تابع شرایط و رعایت قوانینی است که شرح کامل آن در سایت جشنواره وجود دارد. حقیقتاً من وقت و انرژی بسیار زیادی برای آماده کردن طرح و به اصطلاح پروپوزال پروژه مستند «برندگان» صرف کردم که خوشبختانه موفق به دریافت این جایزه شدم. بزرگترین حسن آن هم این بود که انگیزه و اشتیاق من را برای ساخت این مستند دوچندان کرد، البته پس از تولید فیلم، مراحل تدوین آن هم در مدرسه تالیستانی جشنواره مستند آمریکا انجام شد که آن هم برای من یک تجربه منحصربه‌فرد و ارزشمند بود.

■ **آیا فیلم «برندگان» قصد دارد مردم را به مهاجرت ترغیب کند یا آنها را بازدارد؟**

نه فکر نمی‌کنم این فیلم چنین تأثیر با هدفی داشته باشد. اصولاً به پیام دادن یا تعیین تکلیف برای مخاطب اعتقادی ندارم. تنها هدف من این بود که بتوانم وضعیت افرادی را که با مسأله مهاجرت آن هم به این شکل و با شرایط متفاوت زندگی درگیر می‌شوند به تصویر بکشم. ضمن اینکه وقتی دو شخصیت از دو نسل متفاوت را دنبال می‌کنیم محدوده دایره مخاطبان فیلم را گسترش دادیم و مخاطب با مقایسه داستان آن دو، حقیقت ماجرا و ابعاد موضوع را بهتر درک می‌کند. آیا همین که فیلم سندی از روزگار ماست کفایت نمی‌کند؟

■ **فکر می‌کنید «برندگان» چقدر توانسته ابعاد پدیده پیچیده‌ای مثل مهاجرت را به تصویر بکشد؟**

هنری قرار نیست نسبت به سوژه‌ای که انتخاب می‌کنند برخوردی جامع و کامل داشته باشند. مگر در یک فیلم کوتاه یا مستند یا حتی یک کتاب مؤلف چقدر زمان دارد که بتواند ابعاد مختلف یک موضوع را بررسی کند؟ و اصولاً یک اثر تا چه اندازه دیده‌ای خواننده می‌شود؟ به زعم من فیلم‌ها و دیگر مدیوم‌های هنری اگر به سراغ چنین ایده‌هایی می‌روند پیش از اینکه دامنه موضوعی داشته باشند، یک جور یادآوری برای مواجهه عمیق‌تر با موضوع والته‌اندیشیدن.

■ **کمی از آخرین فیلمتان بگویید؟**

سال گذشته فیلم کوتاه داستانی «حرف‌های شبانه» را به پایان رساندم و این روزها در حال بخش جشنواره این فیلم هستم. دقایقه‌ای هستیم. نخستین نمایش‌های رسمی آن هم در دو جشنواره بین‌المللی سایپور و زاین و امیرترکیه بوده است.

دانش اقباشاوی در گفت‌وگو با «ایران»:

جشنواره فجر شراکت هنر در پیروزی انقلاب است

پرسیاساسانی خبرنگار

دانش اقباشاوی از آن دسته از فیلمسازانی است که سینما را برای سینما به معنای هنر و صنعت می‌خواهد و این موضوع علاوه بر آثاری که تاکنون کارگردانی کرده، در رفتار صنفی و آثاری که حسب مسئولیت اجتماعی خود در فضای مجازی و صفحه اینستاگرام خود معرفی می‌کند، نمود عینی دارد. اقباشاوی پس از سال‌ها حضور در سینمای بدنه به عنوان دستیار و برنامه‌ریز با ساخت آثار خوب سینمایی و تلویزیونی توانسته به عنوان فیلمساز متعهد پای سینما، آثار خود و به آنچه اعتقاد دارد، بیاورد. او در آستانه چهلمین جشنواره فیلم فجر در مصاحبه‌ای که با روزنامه ایران داشته است درباره مقررات جشنواره فیلم فجر، پذیرفتن قواعد جشنواره و عشق سینماگران بخصوص جوانان به جشنواره سخن گفت.

■ **برای آغاز از جشنواره فیلم فجر و فرارسیدن چهلمین دوره آن بگویید.**

در ابتدا اجازه می‌خواهم به کمی قبل‌تر برگردم و درباره سرچشمه و آغاز تحولات، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با وقوع انقلاب سخن بگویم. ببینید ۴۳ سال از بهمن ماهی که با خون و شور و شرف، ملت ایران با یک رهبری منحصربه‌فرد، در کمال حیرت جهانیان، نظام پوسیده سلطنتی را برانداختند می‌گذرد، پیروزی انقلاب اسلامی در آخرین سال دهه ۷۰ میلادی، روح و دل ملت‌های بسیاری از خاورمیانه تا امریکا لاتین از شمال آفریقا تا امریکا شمالی را شاد و امیدوار کرد. خب پدیدهی است کشوری که سرمایه‌های گرانبسگی چون هنر سینما را پیش از انقلاب داشته و به برکت انقلاب و انرژی نهفته از آن انفجار نور، این سینما به مرور و با برنامه‌ریزی حکومت انقلابی و البته غریزه و قریحه و سختکوشی سینماگران آن رشد چشمگیری کرده، می‌توانسته و مفید بوده که در سالگرد این انقلاب بزرگ، کارناوالی پرشور از آثار هر ساله آن برای شریک شدن در جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی برپا دارد که این خود یک گنج فرهنگی گرانقدر به نام «جشنواره فیلم فجر» است. ضمن اینکه این گونه جشنواره‌های ملی، مردمی و کارناوال‌های شورانگیز در تاریخ‌ها و جغرافیاهای مختلف در سراسر هستی بوده‌اند و خواهند بود و طبیعی است که هم خالقان و دست‌اندرکاران فیلمسازی در ایران و هم مردم، دوست دارند و حق دارند که خود را شریک فعال در برگزاری این جشنواره بدانند.

■ **اما آن شوق حضوری که بیان می‌کنید، همواره در هر دوره از جشنواره با گلابی همراه بوده است.**

در این ۲۰ ساله که از اولین دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر گذشته، این انگیزه جادویی حضور در جشن همگانی، به شکل حیرت‌انگیزی، حالتی یکتا به خود گرفته، به طوری که به شکل ناخاطیج در بدترین و بهترین شرایط مملکت، جشنواره از شور و شوق همگانی دور نمانده، از سال‌های دهه ۶۰ و میانه جنگ تمام عیار داخلی و خارجی و موشک‌باران گرفته، تا سال‌هایی که نکانه‌های اجتماعی، ملت را در آستانه بهمن ماه منور و سرد مزاج کرده بود. اما با هم به شهادت تاریخ جشنواره، در بهمن ماه‌ها، تکاپوها آغاز و بوخ‌ها آب شده‌اند و فیلمساز و مدیر و مخاطب و رسانه‌ها دور هم، جمع شده‌اند تا جشنواره‌های شادمانه، داشته باشند و این سرمایه کمی نیست. حالا اگر گلابی‌ها هم مطرح می‌شود حتماً شنیده شده و ترتیب اثر داده می‌شود، خاصیت جشنواره همین است.

■ **بخشی از این گلابی‌ها متوجه مقررات جشنواره است.**

مسأله مقررات و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های برگزاری جشنواره نه قابل تخطئه، بلکه قابل نقد است و مهم‌ترین عنصر نقد آن، نداشتن وحدت رویه، طی سالیان سال بوده است. برای من قابل هضم و یابار است که بنا بر گذشت سالیان و دهه‌ها، حتماً یک جشنواره، در نوع برگزاری برنامه‌ها و بخش‌های خود، تغییراتی انجام می‌دهد و اصولاً داشتن انعطاف بسیار خوب است. اما انعطاف تا جایی جذاب است که ماهیت و کارکرد اولیه رویداد را (در اینجا جشنواره فیلم فجر) تحت‌الشعاع و حتی رد نکند. مثلاً لاتر فکر کنم یاد آور شدم که شور همگانی، ملت، دولت و فیلمسازان یکی از دستاوردها و نیز دلایل زی‌ساختی و بنیادین فجر بوده است. خب، وقتی به گذشته فکر نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در ادواری، جشنواره بنا بر ماهیت اولیه‌اش، به شکل حد‌انگیزی و منبسط، برگزار شده و چقدر خاطره‌انگیز و پیر نتیجه بوده‌مانند برخورداری و ترکیب بخش‌های مختلفاً از جمله بخش بین‌الملل، بخش فیلم‌های اول و دوم، بخش سودای سیم‌رغ، بخش فیلم‌ها، تجربی، بخش فیلم‌های کوتاه، بخش مستند، نشست‌های تخصصی و غیره و در برخی سال‌ها، منقبض و حداقلی بوده که ناگفته پیداست، جشنواره پر رویداد و با مشارکت بالا به اهداف اولیه‌اش نزدیک‌تر و در ایجاد حس وحدت ملی و حرفه‌ای، پر بازنر بوده است.

■ **علاوه بر ایجاد حس وحدت ملی که مهم‌ترین رکن برابلی جشنواره توجه به همین موضوع است، تمکین از مقررات تاجه اندازه است؟**

در مورد تمکین به مقررات جشنواره و رعایت انضباط و احترام به رأی سیاستگذاران و داوران نیز، همین مثال فوق، صدق می‌کند. یعنی اینکه، در بحث جبر و اختیار، مشخص است که خالقان و صاحبان آثار، بعد از پذیرفتن قوانین جشنواره مختارند که به رویه‌های مندرج در آیین‌نامه‌ها نقد یا حتی اعتراض داشته باشند، اما پس از پذیرفتن قواعد جشنواره مجبورند که به نتایج تمکین کنند. اما من فکر می‌کنم که اگر اعتراض‌ها و نقد‌هایی به جشنواره وارد می‌شود، اتفاقاً نشأت گرفته از همان

است که سیاستگذاران با اتخاذ رویه‌های انبساطی و ایجاد فضای حضور حداکثری فیلم‌ها در قالب بخش‌ها و فضاهای متنوع، صاحبان سلیق و تجارب و مختلف و مخاطبان سلیق مختلف را درگیر جشنواره کنند، اشکالی که ندارد که هیچ، بسیار نیز مثبت است که از میان آثار کشوری صاحب سینما، چون ایران و با عنایت به آسان‌تر شدن ابزار ساخت فیلمی در سطح جهانی و به تبع آن، ساخته شدن بسیاری فیلم که خیلی‌هاشان علاقه‌مند و حتی پیگیر حضور در جشنواره فجر هستند، هم تعداد بخش‌ها هم تعدا فیلم‌ها و هم حتی تعداد روزها و شهرها و سال‌ها برگزاری این کارناوال فرهنگی شورانگیز را در برابر کرد تا سلیق و جمعیت بیشتری از این رویداد ملی بهره‌مند شوند. این رویکرد اعتراض‌ها و نقد‌ها و حاشیه‌ها را بسیار کمتر و هم‌دلی‌ها و طبیعاً رشد سینمای ایران را به مرور بیشتر می‌کند.

■ **یکی از فعالیت‌های به‌نوعی فرهنگی و رسانه‌ای شما معرفی فیلم و آثار خوب سینمای بین‌الملل است. در واقع استفاده بهینه از فضای مجازی، این نوع فعالیت شما از چه زمانی شکل گرفت؟**

برای پاسخ به این سؤال باید به دوران دور برگردم. سال‌ها پیش از اینکه صفت ترکیبی «سینه‌فیل» به گوشم بخورد، پدرم مشتری دائمی ماهنامه فیلم بود. در واقع از همان شماره‌های اول مجله، پدرم که مردی فرهیخته، آرام و شاعر مسلک بود و هست، تلاش می‌کرد تا من را که تک پسر و همچنین، فرزند اول خانواده بودم نیز با سلیقه آرام و متفکر خودش رشد دهد. پیش از دبستان هم او هم مادرم دوست داشتند که ما کارگردان سینما شویم. اما راستش این بود که من دوست داشتم نظمی باشم، واضح‌تر بگویم، آرزو داشتم که فرمانده نیروی دریایی شوم. از شش سالگی من را به کلاس زبان انگلیسی می‌فرستادند و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ثبت‌نام کردند. اما من به شیمی و ساخت بمب و هفت تیرکشی بیشتر علاقه داشتم. دوسال پس از حضور در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مانوس شدن بیشتر با کتاب



“

اینکه خیلی‌ها دوست

دارند و کل سال را تلاش

می‌کنند تا حتی در گوشه‌ای

با بخشی از جشنواره فیلم

فجر مشارکت داشته باشند،

این یک اعتنای جمعی و

ملی و حرفه‌ای به جشنواره

است که صاحبان و خالقان

آثار معتززند به اینکه ما هم

اعتبار فچرا را می‌خواهیم.

این یعنی، جشنواره فیلم

فجر اعتبار دارد

است که سیاستگذاران با اتخاذ رویه‌های انبساطی و ایجاد فضای حضور حداکثری فیلم‌ها در قالب بخش‌ها و فضاهای متنوع، صاحبان سلیق و تجارب و مختلف و مخاطبان سلیق مختلف را درگیر جشنواره کنند، اشکالی که ندارد که هیچ، بسیار نیز مثبت است که از میان آثار کشوری صاحب سینما، چون ایران و با عنایت به آسان‌تر شدن ابزار ساخت فیلمی در سطح جهانی و به تبع آن، ساخته شدن بسیاری فیلم که خیلی‌هاشان علاقه‌مند و حتی پیگیر حضور در جشنواره فجر هستند، هم تعداد بخش‌ها هم تعدا فیلم‌ها و هم حتی تعداد روزها و شهرها و سال‌ها برگزاری این کارناوال فرهنگی شورانگیز را در برابر کرد تا سلیق و جمعیت بیشتری از این رویداد ملی بهره‌مند شوند. این رویکرد اعتراض‌ها و نقد‌ها و حاشیه‌ها را بسیار کمتر و هم‌دلی‌ها و طبیعاً رشد سینمای ایران را به مرور بیشتر می‌کند.

■ **یکی از فعالیت‌های به‌نوعی فرهنگی و رسانه‌ای شما معرفی فیلم و آثار خوب سینمای بین‌الملل است. در واقع استفاده بهینه از فضای مجازی، این نوع فعالیت شما از چه زمانی شکل گرفت؟**

برای پاسخ به این سؤال باید به دوران دور برگردم. سال‌ها پیش از اینکه صفت ترکیبی «سینه‌فیل» به گوشم بخورد، پدرم مشتری دائمی ماهنامه فیلم بود. در واقع از همان شماره‌های اول مجله، پدرم که مردی فرهیخته، آرام و شاعر مسلک بود و هست، تلاش می‌کرد تا من را که تک پسر و همچنین، فرزند اول خانواده بودم نیز با سلیقه آرام و متفکر خودش رشد دهد. پیش از دبستان هم او هم مادرم دوست داشتند که ما کارگردان سینما شویم. اما راستش این بود که من دوست داشتم نظمی باشم، واضح‌تر بگویم، آرزو داشتم که فرمانده نیروی دریایی شوم. از شش سالگی من را به کلاس زبان انگلیسی می‌فرستادند و در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ثبت‌نام کردند. اما من به شیمی و ساخت بمب و هفت تیرکشی بیشتر علاقه داشتم. دوسال پس از حضور در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و مانوس شدن بیشتر با کتاب



”

وقتی پای مهاجرت در

میان باشد اعضای خانواده

و روابط عاطفی افراد با

تک اطرافیان بیش از

پیش اهمیت پیدا می‌کند.

من قصد داشتم به بهانه

موضوع فیلم روی احساس

تعلق‌ی که شخصیت‌ها در

اینجا داشتند و تقابل آن با

هدف‌شان تمرکز کنم. دل

کنند از آدم‌ها یا چیزهایی

که با آنها پیوند عاطفی

داریم کار ساده‌ای نیست و

من می‌خواستم با نزدیک

شدن به زندگی شخصیت‌ها

تا جایی که ممکن باشد

این لحظه‌های دشوار و گاه

ناممکن را ثبت کنم

